

سرمه‌بندی
و شهر تعمیرگاه‌ها

حمزه نوذری

جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

سیاست و تولید کالا در کشور ما به مرضی مزمن مبتلا است. بیماری‌ای که می‌توان نشانه‌های آن را در جامعه دید. نام این بیماری مزمن سرمه‌بندی است. سرمه‌بندی کردن چیزها و ترکیب نامطن و ناستوار که هر لحظه ممکن است عناصر و قطعات از هم بگسلد و نیاز به تعمیر داشته باشد. بدون دقت و ظرافت چیزها را ترکیب‌کردن همان سمبل‌کردن است که به آن دچاریم. برای همین است که زیاد تعمیرگاه داریم. از بحث درباره بیماری سرمه‌بندی چیزها در سیاست می‌گذرم و به مرضی مزمن سرمه‌بندی در تولید کالا می‌پردازم. نشانه آشکار این سرمه‌بندی آن است که شهرها در تسخیر تعمیرگاه‌هاست. آنچه در سال‌های اخیر در شهرهای بزرگی مانند تهران و کرج آشکار شده. تعداد زیاد تعمیرگاه است مانند تعمیرگاه ماشین، موبایل، لوازم برقی و... دوستی می‌گفت در اکثر خیابان‌های کرج چند تعمیرگاه اتومبیل وجود دارد و هر روز به تعداد آنها اضافه می‌شود. گاهی برای راه‌اندازی تعمیرگاه ماشین و موبایل یک زیرزمین یا مغازه کوچک هم کافی است. تعمیرگاه‌های اتومبیل از پیاده‌رو و خیابان برای کار تعمیراتی استفاده می‌کنند.

۵ صفحه
ادامه‌دار

آخرالزمانی‌های ایرانی
و اجماع‌سازی پزشک‌ها

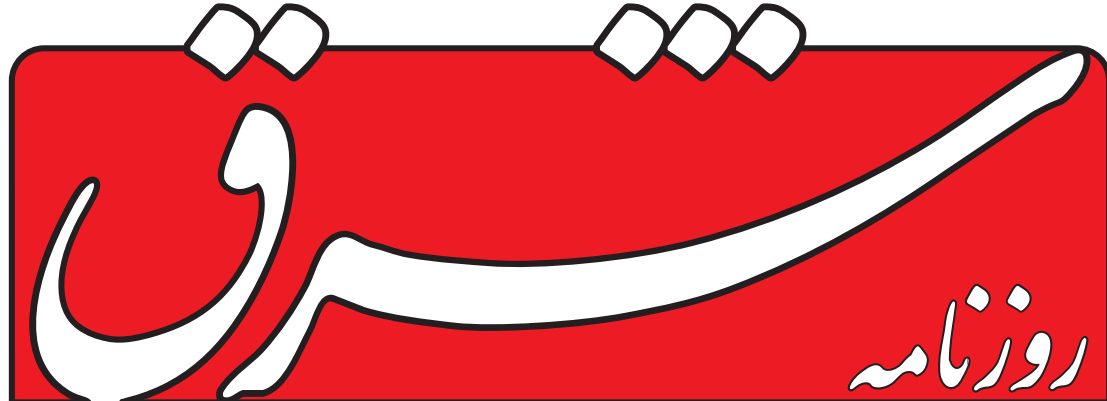
کیومرث اشترینان

اگر بخواهید با گروه یا جناح و فرقه‌ای صلح و سازگاری و اجماع ملی به پیش برید، نمی‌توانید به مبانی فکری و روش اندیشیدن آنان بی‌توجه باشید. ریشه اجماع و سازگاری در نحوه اندیشیدن است. انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری می‌تواند تحولی اساسی در بازاریابی سیاست در ایران پدید آورد و نقطه‌ای برای وقاف ملی باشد. آقای پزشک‌ها و تیمی که او را در این مهم همراهی خواهد کرد، نمی‌تواند بدون تحلیلی نظری از گروه‌های گوناگون، کار اجماع‌سازی را به پیش ببرد. به نظر شکفتی انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری، انتخاب آقای پزشک‌ها نبود، بلکه میزان آرای بود که ظرفیت بالای ۱۳ میلیونی برای لیدرهای «آخرالزمانی‌های ایرانی» دارد تا از آن میان یک بدنه اجتماعی پدیدار برای خود برسانند. چنین انتظاری، بخت و اقبال سیاست را رصد و تخت سلطنت را شکار می‌کند. در این نوشتار یک گروه را به اجمال بررسی خواهیم کرد: «آخرالزمانی‌های ایرانی» که فرقه از فرقت یار می‌سازند. در ۲۰ سال گذشته در ایران گونه‌ای از «شبه‌علم» از طریق گروهی اندک اما تأثیرگذار رواج یافته است که در سیاست، فرهنگ، سینما، اقتصاد، روابط خارجی و... جلوه‌ها کرده و عباری‌ها کرده است. این «شبه‌اندیشه» که آن را «آخرالزمانی‌های ایرانی» می‌نامیم، بدنه اجتماعی جدیدی نیز بر ساخته است؛ هرچند این بدنه اجتماعی، به صورت روشنی از اندیشه‌های این گروه اندک آگاه نیست و عمدتاً به دلایل روان‌شناسی سیاسی، قضاوت‌های انصواب و تصورات ذهنی به آن روی آورده است. «آخرالزمانی‌های ایرانی» با انتخاب آقای احمدی‌نژاد متولد شدند. هرچند این گروه با او در سیاست ایران ظهور کرد اما بعدها خود از آن کناره گرفت و راهی دیگر در پیش گرفت و آن را به صورت مهم و چندپهلویی تحت عنوان «دولت بهار» و «انسان کامل» مطرح کرد. ویژگی‌ها و کارکردهای این گرایش اجتماعی-سیاسی این چنین است:

- ۱- اشتیاق به «شبه‌علم» از پزشکی، علوم طبیعی و ریاضی تا فلسفه تاریخ و علوم اجتماعی مهم‌ترین ویژگی دستگاه معرفتی اینان است.
- ۲- باور به خرافات سیاسی که در تئوری توطنه در سیاست داخلی و بین‌المللی نمایان شده است.
- ۳- فرقه‌ای‌سازی همه‌جانبه و چهره‌های سیاسی.
- ۴- گذار از همه‌فلسوفان دینی ایرانی از مرحوم مطهری و جواد آملی گرفته تا حتی گذار از رویکرد فلسفی مرحوم مصباح‌یزدی و روی آوردن به «مجتهدان روایتی» و «مبصری‌های شعاعی» که ضد فلسفه و عرفان‌اند.

۵ صفحه
ادامه‌دار

دوشنبه ۸ مرداد ۱۴۰۳
۲۳ محرم ۱۴۴۶
۲۹ جولای ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۸۸۹
۵۰ هزار تومان
۴۸+۱۲ صفحه ویژه‌نامه فنی



پزشکیان کلید پاستور را گرفت

معاون اولی به عارف
رسید؛ رئیس دفتری
به حاجی میرزایی

۲



در «شرق» امروز می‌خوانید: روی ریل پیشرفت؛ مسیر هموار دولت چهاردهم در اقتصاد ایران • چه کسی لباس‌های جنجالی را تن ورزشکاران ایران کرد؟ • کاشفان فروتن شوکران / امیر سیدین



با تغییر دولت فعالان بخش فناوری از مطالبات خود گفتند

پایان اینترنت در «سایه»
ویژه‌نامه فنی را از روزنامه‌فروشی‌ها بخواهید

برگزیده‌ها

پزشکیان و یک مطالبه مردمی
واگذاری مدیریت دولتی
خودروسازی‌ها به بخش خصوصی

۴



رئیس شورای عالی اصلاح‌طلبان در گفت‌وگو با «شرق»

زنان یاد گرفتند مطالبات خود را
با مقاومت مدنی پیگیری کنند

۶

یادداشت

مأموریت دشوار پزشک‌ها



حسین نصیری

ناگفته پیداست که دکتر پزشک‌ها مأموریت دشواری را در این شرایط پیچیده برعهده گرفته است.

بنا بر آن است که با هدف آبادانی ایران بانو و شکوفایی این ملت بزرگ و نیز رفع اندکی از نابرابری‌ها و تبعیض‌های انکارناپذیر قدرت، ثروت و منزلت در کشور، به نظر می‌رسد همه دل‌بستگان به این سرزمین و آینده آن، باید برای عبور موفق از این شرایط خطیر و به بیانی به منظور طلوع دوباره امید و توزیع عادلانه نان و خدای‌ناکرده گرسنگی و تقسیم منصفانه شادی و رفاه و امنیت، صمیمانه و بی‌چشمداشت با او همراهی کنند.

با این مقدمه و در نقد اوضاع واقعا جاری با فروتنی عرض می‌کنم آشکار است که برخی دولت‌مردان کشور عموماً جامعه را توسعه‌وار و سازمان‌نیافته می‌خواهند و از این‌رو درباره شکل‌گیری هر نهاد مردمی حتی قانونی و شفاف، حساسیت بسیار نشان داده و به‌ویژه درباره هر تشکلی در سپهر اجتماعی - سیاسی بی‌مدارا هستند. در سال‌های گذشته آقای مصباح صریح‌تر از دیگران مکتوبات اقبان را تبیین کرد. او حقوق حقه ملت ایران و صاحبان حقیقی این سرزمین را در جزه و کل به صورت اصولی انکار کرد.

در چیرگی و «مطلوبیت» این تفکر نامتعارف و متباین با توسعه در برخی محافل و نهادها و نزد کسانی که به توهم خود را حق و تماماً حق تصور می‌کنند و در فضایی تحت تأثیر این فرامتن، منطقاً مسیر قانونی و دموکراتیک و انسانی برای کشور، یافتن مردم و همچنین «روز خوردن آرا و عقاید جمعی در فرایندی نقادانه و شفاف و نظام‌مند میسر نخواهد بود.

در اوضاعی با این مختصات و تکنها، زمینه‌ای پویا برای سازمان‌یافتن احزاب پاسخگو هرگز هموار نخواهد بود.

۵ صفحه
ادامه‌دار



رهبر معظم انقلاب با اشاره به شخصیت فرزانه، صادق، مردمی و دانشمند پزشک‌ها، حکم ریاست جمهوری را تنفیذ کرد

تنفیذ امید

یادداشت

وزارت کشور و لزوم حفظ نظام هنجاری مربوط به پرچم کشور



احسان هوشمند

بلکه تاکنون در حدود دو هفته است که پرچم کشور به جای خود بازنگشته است. با توجه به اینکه در محله‌هایی که برای پرچم کشور تعبیه و آماده شده، افزون بر میله اصلی پرچم میله‌های زیادی تعبیه شده. شهرداری تهران می‌توانست پرچم سیاه را در میله‌های مجاور پرچم ملی ایران نصب کند تا هم حرمت پرچم کشور حفظ می‌شد و هم علائم عزاداری به صورت هم‌زمان در میله‌های مجاور برافراشته. متأسفانه در دیگر روزهای عزاداری رسمی نیز همین اتفاق روی می‌دهد و گویا گوش شهرداری برای شنیدن نظرات کارشناسان و منتقدان بسته است. اگر شهرداری تهران خود را مقید به حفظ هنجارهای مربوط به پرچم ملی

نمی‌داند، آیا مقامات بالادستی از جمله شورای شهر یا وزارت کشور یا مجلس هم علاقه‌ای به ورود به موضوع ندارند؟ در حالی که در بسیاری از کشورهای جهان کودکان از خردسالی با نظام هنجاری مربوط به حفظ حرمت پرچم ملی آشنا می‌شوند و جامعه‌پذیری سیاسی مربوط به پرچم مورد توجه نهادهای تعلیم و تربیت است. گویا در ایران ما حتی نهادهای رسمی و عمومی خود نیازمند آموزش هستند تا حفظ حرمت پرچم و رعایت هنجارهای مربوط به آن را بیاموزند. با توجه به تکرار این شیوه نادرست که شهرداری تهران درباره باین‌کشیدن پرچم کشور در ایام عزاداری در پیش گرفته است و در نهایت موجب خدشه وارد شده به نهادهای ملی می‌شود، ضروری است تا نهادهای ناظر وارد عمل شوند و شهرداری تهران را موظف به رعایت حرمت پرچم کشور کنند. حفظ حرمت پرچم ملی وظیفه همه شهروندان و اولی‌تر وظیفه نهادهای دولتی و عمومی است. بی‌تفاوتی یا کج‌سلیقگی در این زمینه می‌تواند پیامدهایی داشته باشد که قبلاً پیش‌بینی نشده است. نهادهای عمومی را باید موظف به حفظ حرمت پرچم کشور کرد.

حدود یک سال پیش در روزنامه «شرق» در یادداشتی با عنوان آیین حفظ حرمت پرچم ملی به شهرداری تهران یادآوری شد که در جهان امروز پرچم هر کشوری یکی از مهم‌ترین نمادها و نشانه‌های آن کشور محسوب می‌شود و در ایران ما با تجربه چنددهه‌ز ساله از داشتن درفش اسطوره‌ای، از دیرباز پرچم و درفش ملی کشور اهمیت ویژه‌ای داشته است. همچنین تأکید شد که در جهان امروز پرچم از چنان اهمیتی در کشورها برخوردار است که رعایت حرمت و قواعد برافراشتن آن نیمه‌افراشتن آن هنجارها و قواعد خاص خود را دارد. در نظام هنجاری بسیاری از کشورها رعایت آیین هنجار ضروری است که پرچم کشورها همیشه برافراشته است مگر آنکه برای مناسبتی خاص مانند اعلام عزای عمومی پرچم با قواعد هنجاری خاصی نیمه‌افراشته شود؛ یعنی در موارد استثنائی و خاص پرچم به صورت نیمه‌افراشته، نه پایین‌کشیدن کامل، به اهتزاز درمی‌آید و البته در این موارد استثنائی هم تنها یک چهارم پرچم پایین کشیده می‌شود و با آیین خاصی دوباره به جای خود بازمی‌گردد. در یادداشت پیشین گفته شده بود که برافراشتن پرچم ایران در معابر عمومی کار سنجیده و مثبته است که پس از سال‌های انقلاب بالاخره در کشور مورد توجه برخی سازمان‌ها از جمله شهرداری تهران قرار گرفته است و البته گلائی شده بود که باین‌کشیدن پرچم در روزهای عزاداری هم به همان میزان مورد نقد است.

متأسفانه در هفته‌های اخیر دوباره شهرداری تهران بدون رعایت نظام هنجاری مربوط به پرچم ملی اقدام به باین‌کشیدن پرچم ملی از معابر عمومی کرده است. به سخن دیگر برخلاف هنجارهای مرتبط با پرچم ملی، هم پرچم به صورت کامل پایین کشیده شده و هم دوره پایین کشیده‌شدن پرچم نه برای ساعاتی محدود